

مدیر و منشی مجله
دکتر میرزا محمد مهدی خان
زعیم الدوله و رئیس الحکماء در مصر

Directeur Édacteur
REVUE 'HEKMET
Dr Myrza M. Mahdy Khan
ZAYY EL DAWLAH
Rais El Hokama
CAIRE-(EGYPTE)

این مجله موقتاً ماهی دو بار طبع می شود

حکمت

۱۳۱۰

قیمت سالانه اشتراك
مصر و ممالک عثمانیه و فرنگستان
و امریکا يك لیرای انگلیسی
در ممالک محروسه ایران ۴۰ قران

در ممالک روسیه ده منات
در هندوستان و چین ۱۵ روپیه
مکتوب بی مهر و بی امضای
واضح پذیرفته نیست

اجرت اعلان هر يك سطر پنج فرانك است .

پنج شنبه ۱۵ ماه ذی القعدة سال ۱۳۲۵ (مجله سیاسی علمی ادبی تجاری) ۲۱ ماه ديسمر سال ۱۹۰۷ میلادی

داد ، آن جناب آصف الدوله است که این مرد را از پارسال در جمیع جرائد تهران و ایران بگناه فروختن و کشتن صد و شصت نفر از زنان و دختران وطن از حکومت خراسان معزول نموده ، و با هزار اسباب چینی به تهران آورده ، نقشه و طرح محاکمه او را در وزارت عدلیه چیده و لجنة از متخبین و کلاهی مجلس شورای ملی مرتب کرده ، و متضمن هیئت اعضاء عدلیه نموده ، مجالس متعدده و جلسات متنوعه در تحقیق گناهان او بجای آورده ، و جمیع ذنوب را براو اثبات و مشهور نموده ، و حکم حبس و تغريم و تجريد و حرماز او را از کل رتب و مناصب و خدمات مصادره کرد نشان است ، و همه ملت را چشم براه و منتظر تنفیذ احکام بر او بودن بود ، که بیکبار در مقابل این همه خیانات بجای کيفر پاداش و عوض مجازات مکافات یافتن او اسنان که شخص وازر وزیر و مرد خائن امین گردد ، مالیه يك مملکت مرده هزار ساله و تازه روح دمیده را که به مثابه روح کشور است بدست این گونه ناجوانمردان سناك بی باک و نا بکاران خدانا شناس سپرده شود ،

ریورنگ و نیرنگ و جادوگری و چشم بندی
یا سحر و شعبده بازی و وزبان بندی
در شماره قبل يك مصراع ادیب اول ایران شیخ سعدی را درم بر هم کرده بجای (نسم) تقدم نوشته و بدین گونه نگاهشتیم که (این نه) تقدم که معجز است و کرامت و گنیم آنان که منکر معجزات و کرامات اند بیایند به حالات پارساله و امساله مادر ایران بنگرند و خوب در یابند آن خود و جمود فوق العاده ، و خون سردی و دل افسرده گی فوق الطبیعه پارساله ما را با این نشاط و اقدام و عزم و حزم امساله ما تطبیق نمایند که از پایه نیستی هست ، و از درجه پستی بلند ، و از فرودین پایه بفرازین پایه برتری يك جنبش خدا پسندانه رسیدیم ، اما بشرطها و شروطها الحزم و الثبات من شروطها (ارزان نفر و شیم اگر ارزان نخریدیم) و ما بدین سرخوش و دلگرمی بودیم تا بناگاه شرح تشکیل وزارت هشتگانه تازه در روزنامه های تهران و در نامه های پیام نگاران رسیده و چون برق خرمن صبر و شکیبایی ما را از تعیین يك وزیر تازه برای مالیه سوزانیده و بر باد

اگر تمم و اسنادات جانسکرانه بدین مرد راست و درست بوده و بروی در عدلیه در حضور لجنة شورای ملی مثبت گشته و احکام مجازات او را و تنفیذ آنرا مقرر نموده و در جریده رسمی (مجلس شورای ملی) بارها نشر کرده اند پس تنفیذ آن احکام کو و مجازات و قصاص او بکجارت ؟ ، خوب مجازات ن یافت بچه عنوان شایسته عفو شده و سزای منصف وزارت مالیه گردید ، یا اینکه اسنادات مذکوره بر او کلاً افترا و بهتان بود پس از محاکمه مقرر کردن عزل و غرامت و حبس او چه بود اگر بعد از محاکمه و ثبوت نهمت بر او برای محکمه برائت او به دلائل دیگر ثابت مبرهن شده است که او از همه این نهمت و افتراآت بری الساهه و زویه است پس چرا از طرف محکمه عدلیه و مجلس شورای ملی بری الذمه بودن او را در مجلس نواب مقرر و مدون نکرده و در جریده رسمی و دیگر جرائد ملیه اعلان و اشرار نکرده اند که این مرد بزرگ پایه که ستون محکم از ستونهای حکومت است در انظار ملت بعد از مکروه شدن محبوب و پس از منفور گشتن مقبول گردد و دامن نزاهت و عفت این مرد بزرگ از آرایش نهم و لوث مفتریات پاک شود ،

ولکن از قرار معلوم چنین مستفاد میشود که هنوز پایه آزادی در مملکت ما محکم نشده و درخت کهن سال استبداد و استعباد را ریشه و بن « بیخ برکنده نشده است و بیخ گردش کلاه در یگسب نهم بری و بری نهم میگردد ، و بیخ ورق کتاب بر گردادن خائن امین و امین خائن میشود ، آنهم کی ، پس از ممضی شدن قانون اساسی و تشریف فرمائی اعلیحضرت همیونی به دارالشورای ملی سوگندیاد کردن به محافظت دستور ، و پشت سر اینها

تعیین جناب آصف الدوله به وزارت مالیه وان هذالشى بحجاب چون مالز وطن مقدس مهجور و از مرکز اعمال بدوریم تا کنج گامی کرده و مسئله را آفتابی کنیم و انگشت نهانی را که در پس پرده خفا در برهم زدن اساس پاك سلطنت را مشروطه پیدا کرده و ناخنهابه چینیم لهذا به حسب قواعد شرعیه و منطقیه چاره بجز از هتاب و شکوی از دارالشورای ملی نداریم و دیه را بر عاقله بشاریم ، و بگویم سروران و برادران ما با این همه بیداری و مراقبت و اشراف حضرات شاهها دیگر این گونه نیکنگ بکار بردن و چشم بندی کردن و شمه بده بازی حکومت در تأصیل و تقویت درخت استبداد یعنی چه ؟ اگر جناب آصف الدوله زویه و درست کار است چرا رسماً مظلوم بودنش را در دارالشورای مقرر و اعلان نمیفرمایید ؟ اگر کج ناب و کج اندیش و کج کار است پس چرا تنفیذ احکام عدلیه را در باره او که به تصدیق لجنة شورای معین شده است مجری نمیدارید ، و وزارت او را در مالیه غیرها از روی کدام قاعده و قانون مزدشست او میدانید ؟ جواب شاهها در این خصوص به مات چیست و چه خواهد بود ؟ پس نتیجه این همه زحمات فوق الطاقه شاهها چه شد ؟ یا اگر پذیرفتن این کار با گوار از روی قهر و قسر است شاهها عاجز و زبون نیستید ملت نامور ایران پشتیبان شاهها است ، و اگر نه فرق حکومت شورویه با حکومت طاقه استبدادیه چیست ، و این همه زحمات طاقت گسل و تاب فرسای را برای چه متحمل میشوید و باعث دلشکستگی و نومیدی چرا میگردید ؟ (فائقوا حباها علی غارها) حتی (ایهاک من هلاک عن بینة و یحی من حی عن بینة) یا اینکه در این خصوص و دیگر خصائص مثل این خودتان را

معدور میدآید و خیال دیگر در سردار بد و از روی حکمت
 سر باز کردن این سر نهان را موقتا جایز نمیدانید، باز برای
 شماها ممکن است که بزبان حکمت و سیاست و کار آگاهی
 ملت را در کشمکش نومیدی و تشویش نگذاشته بهر
 زبانی که میدانید در جرائد خصوص و غیرها گوشه چشمی
 بامیدواری مات فرموده تا ما هم بگوییم
 (لعل له عذرا وانت تلوم).



پایه و مایه بقا و دوام و ثبات استقلال يك ملت
 بسته به بقا و دوام و توحید زبان آن ملت است
 اگر بخواهیم در این صدد با دلایل و براهین سخن
 گوئیم باید دفترها بنگاریم، ولی سهوات نشر معارف
 در این عصر جدید کمی بار ما را سبک کرده و مانند صد
 سال قبل برای إدراك و إفهام يك مطالب ما را از ایراد
 دیباچه و تمهید و مقدمه بی نیاز نموده است از اینرو مطلب را
 پوست کنده و روك و کوتاه می نویسیم و میگوئیم، برای دوام
 و بقا، کشوری يك بودن زبان و يك بودن دین اهالی آن کشور
 است، مثلاً در زمان تاخت و تاز عرب هر آن کشوری که
 زبان خود را از دست داد گو که دین يك اسلام را پذیرفت
 ولی پس از چند قرن از جنسیت و قومیت اهل آن مملکت
 نام و نشانی باقی نماند شاهد مقال ما بلاد (مغرب و مصر
 و سوریه و عراق عرب است)، اما هر آن ملت که دین
 هیت حاکمه را پذیرفته ولی آداب قومیت و عادات جنسیت
 و زبان ملی و مادری خود را از دست نداده اگرچه
 تا دیر هنگامی هم محکوم آن ملت حاکمه بوده ولیکن همینکه
 فرصت جست و یافت یاد از گذشتگان آبا و اجداد خود
 و مجد اصیل ملت خویش کرده و باذل رقیب و عبودیت

حاضره خود مقابله نموده که يك مرتبه طوق استعباد اجانب را
 از گردنش بدر آورده و زمام استقلال وطن خویش را
 بدست خواهد گرفت، گواه گفتار ما ملت نجیبه و امت
 اصیله ایران است، اگرچه از اختلافات داخلیه چهل
 ساله ایران بعد از (نوشیروان عادل) تا زمان (یزدگرد)
 چهارده نفر در ایران پادشاهی کرده و از اختلافات مذهبه
 و ملکه و رفاهیت ملت و خود سری و کامروانی سلاطین
 و حکام و کثرت ظلم و استبداد امراء و ولایه جور پای مشقی
 از تازیان بی سرو پاره با بدانسر زمین پاك باز کرده که بود
 و تار آن گروه تا مدار را يك گپیرو دار در چند کارزار
 از هم دیگر گسیخته ناموس و اعتبار سلطنت شش هزار ساله
 بباد رفت اگرچه دین پاك اسلام را پذیرفتند، ولی بالکلیه
 مغلوب و مطیع مشتی از اجلاف بی باک شدند

ثم انقضت تلك السنون واهلها

و کانهما و کانهما احلام
 ولیکن از سلیقه فطری و جربزه جلی تا توانستند
 در حفظ عادات قومیه و زبان مادر زاد خودشان با آن شدت
 اضطهاد و سختگیری اعراب در محو کردن و نیست و نابود
 نمودن زبان و عوائد ملیت ایشان، این گروه نامور سردادند
 زبان ندادند سیم و زر دادند و اصل گوهر ندادند، تا این
 شد که از یاری و یاوروی حفظ زبان و عادات نیاکان
 دو بیست سالی نگذشت که دوباره کوس سلطنت و استقلال را
 در مسکن باب و نیای خود زده چون (صولجان) پادشاهی را
 بدست خویش گرفتند.

بدر آوردن زمام سلطنت را از اعزاب و حفظ و تسلسل
 جشن فیروز (نوروز) و دیگر عادات ملیه تا امروز گوا
 گفتار ما است. شدت اضطهاد اعراب در نابود کردن

زبان و عادات گنیم گویا این عبارت ما به برخی از تاریخ
 دانشناسان ناگوار آید و بر ما خرده بگیرند ولی ما محض
 آنکه ایشانرا این اشتباه بیرون آوریم از نوشتن يك شاهد
 كوچك تاریخی از شواهد خودمان را ناچار می بینیم و آن
 اینست، در میان ملوك بنی عباس هر ان الرشید و پسرش
 مامون در حب علم و علم و ترجمه کتب علمیة ایران و روم
 و بهبود مفرد العلم بودند ولی هرون از کینه و رشک که
 با خاندان بر مکیان که امیر زاده گان سترک ایران بودند
 از دبر گاهان در دل داشت، تا در آخر در پاداش
 خدمات نمایان آن خاندان از نیا بر نیا بر دوده آل عباس
 در یگروز آنان را بر خاک سیاه نشانید پسرش مامون
 هم با اینکه مادرش ایرانی بود با ایرانیان کین خاص که
 مخصوص بنی عباس است در دل همیداشت در هر جا
 ناموری از ایرانیان شنید با تیغ و زهر از پایش در آورد زیرا
 این گروه بخوبی ملتفت این نکته شده بودند که ایرانیان
 از سحیت پاکشان که خدای از نخستین روز در نهادشان
 گذارده است هیچ گاه ز بونی را بر خود روا ندانند
 اگرچه گاهگاهی مغلوب مات قاهره شده اند ولی از غم
 بی آلتی افسرده و بی فرصت گشته و بنا گهانی برخاسته
 دمار از روزگار امت غالبه در آورده کشورشان را از پایدی
 وجود بیگانه گان پیرداخته اند، این بود که مامون در
 هنگامیکه دانشوران روم و یهود را نیکو نوازش می نمود
 دانشمندان ایران را از پای در می انداخت، اینجاست
 از نوشتن يك گواه از فراوان گواه خود را ناچار میدانیم،
 روزی مامون در (مرو) بزنی از دانشوران عرب و روم و یهود
 آراسته از حوادث دول و ملل گذشته سخن گفته و از
 آن جمله شرح سلطنت و جهانگیری ایرانیان بمیان آمده شرح

گرفتاری (والیریان) امپراتور (رومان) در دست
 (شاپور) و ساختن پل (شوشتر) در (اهواز) بدست
 (رازبان رومان) یعنی بنایان مطرح مذاکره شد و از حکمبات
 و خطابات و خطب (جاماسب) و (بزرگمهر) سخن در
 گرفت و از اشعار و منظومات پارسبان پیش از اسلام شواهد
 چند گفته شد، مامون را آتش کینه در دل مشتعل شده
 ولی بازانت از روی ریاری رسید آیا امروز در ایران از ایرانیان
 کسی پیدای شود که خطابه نیکو گوید و شعر دلکش
 بسراید؟ از دامنه یزم جوانی برنا برخاسته و گفت: ای
 خلیفه الرسول من ایرانی نژادم خطابه را نیکو گفته و شعر را
 در پارسی داندیر می سرایم: مامون بار گفتارش داد،
 آن نوجوان پاك سرشت مزنجلا خطبه غرا و بالبدیهه قصیده
 شیوا پارسی بیآغازید، حضار مجلس زبان به تحسین
 و آفرین گشودند که بناگاه امیر عرب برآشفته يك اشاره
 او در خیم (میر غضب و جلاد) سر آن نوجوانرا چون گوی
 در میدان غلتانید، حضار چون قوالب بی جان شده از
 این ستمگاری امیر عرب که در ظاهر بنیاد کارشان بر
 عدل و داد بود مات و مبهوت شدند و دم در کشیدند،
 تا لختی امیر آرام شد و پاری از این حادثه بگذشت ماموز
 گفت: هان من شمارا از این کار بدهنجا آشفته دل خوشیده
 توفیده مغز می بینم ولی شمارا در این اضطراب قلند
 و تشویش خاطر معذور می شمارم زیرا شاهان از کار کشورداری
 مهجور و از فهم و ادراك نکات سیاسی بدور هستند و نمیدانند
 که از ایرانیان از زمان جم تا تغلب عرب بر عجم سروران ام
 بوده اند و از کرد ارنا گوار پادشاهان ایران و ظلم و جبر
 حکام ظلام و ترافه و خوشگذرانی بزرگان و اعیان، مغلوب
 ز بون اعراب شده و در حالت زبونی هم با استعداد خدا دادش

واوسترالیا و جزایر محیط انلانیک و هندی و غیره را از انگلیسی
نموده و تعلیم و تعلم را بجز در زبان انگلیسی جایز و روانی
شمارند چنانچه اعراب نشمرند .

چون از این مقدمه مختصر فارغ شدیم انشاء الله در
شماره های آینده کجواجی و عیوب و نواقص پارسی کنونی را
بقدر امکان خواهیم آشکار آورد تا این زبان شیرین و نواذ
(لغت) نمکین پارسی که بگفتار دآ نایان فرنک زبان
موسیقی است به رونق نخستین باز گردد و مقبول خاص
و عام آفتدز برازبان پارسی کنونی را لغت فارسی نتوان گفت
(واگر از من نرنجی) بل یک فرع از لغات عثمانی و عبری
ولی به مساعد کسوت ادات جر و مصادر فارسی باید شمرد
ترسم آزرده شوی ورنه سخن بسیار است



(۱) نظام نامه وزارت خارجه دولت علیه ایران

(۲) هیات قونسولها و تحدید حدود و اختیارات آنها .

(فصل اول - اطلاعات عمومی)

(ماده اول) قونسولهای دولت علیه مقیم ممالک
خارجیه از حیث رتبه بچهار درجه منقسم میشوند (جنرال
قونسولها) (قونسولها) (ویس قونسولها) (وکلای قونسولها)
- جنرال قونسول رئیس تمام قلمرو جنرال قونسولگری است
و تمام قونسولها در تحت نظارت و تفتیش او واقع اند
قونسول رئیس قسمتی از قلمرو جنرال قونسولگری (یا بند
و شهری است) ویس قونسول معاون قونسول و در مواج
لازمه نایب متاب او است .

وکلای قونسولها تکالیف قونسولها را در جاهای
مختصر و غیر مهم از قبیل شهرهای بسیار کوچک و قصبه
اجرامی نمایند .

مانند (سلمان پارسی و ابومسلم خراسانی مروی و خاندان
برمک) و غیرهم سرف بزرگان عرب شده و کردند آنچه را
که میدانید و دریاد دارید ، پس هر آن ملت محکومه را
بویژه ایرانیان یک تن ذایب فصیح و بلیغ و شاعر نثر
قادر و مقتدر بجایا شد قریباً اساس سلطنت ملت حاکمه
متزلزل شده و در اندک روز گاری به قوت زبان و بیان
و بنان از زبونی به چیره گی و از مغلوبیت به غالبیت انتقال
خواهند یافت این بود که من در شریعت سلطنت نابودی
این جوان را روا دانستم : از این یک گواه از سختگیری
اعراب بر ایرانیان پی توان برد وهم بقا و دوام زبان یک
ملت را دلیل بقا و استقلال آن ملت توان شمرد ، چنانچه
کمی نگذشت از همت (صفاریان و دیلمیان) بنیاد حکومت
عرب در کشور عجم زبروز برگشت ، پس ازینرو حفظ زبان
باعث استقرار نوات و سبب استمرار کیان و موجب دوام
استقلال ملت است مثل اینکه نیاکان کردندوشد و یونانیان
کردند ، شد و هندیان و آرمینیان میکنند و خواهد شد ، پس ما را
است که اول زبان پارسی را در کشور خودمان تعمیم دهیم
و بقیه الباقیه هم که از ترکی و عربی و کردی در ایران از عدم
مبالات و یا از سیاست طبقات ملوک (ساجوقیه و اتابکان
وصفویه) بجامانده است قسراً و جبراً بیاز کردن مدارس
صحیحه پارسی مبدل سازیم ، زیرا آنچنانکه حفظ زبان
باعث دوام استقلال ملت است همچنان نوحید زبان هم
مورث بقا و وثبات ملت است ، و این نکته راهیچ ملت
مثل عرب و انگلیس ملتفت نشده اند زیرا اعراب در مدت
صد سال زبان بلاد مغتوحه خویش را غیر از ایران از
اسپانیا تا عراق عرب عربی نمودند ، و انگلیسان هم از صد
سال تا کنون زبان جمیع مستعمرات خویش را از آمهدکا

تبصره بجهت اختصار در کلام بجای جنرال قونسول و قونسول کلمه قونسول فقط استعمال خواهد شد و نیز در عوض جنرال قونسول قونسول و ویس قونسول و وکیل قونسول لفظ (قونسول و غیره) مستعمل خواهد بود.

(ماده دوم) قونسولات دولت علیه از درجات اربعه بر دو نوع اند، اولاً قونسولهای حقیقی یا مرسله که تبعه دولت علیه هستند و در خدمت آن محسوب و مواجب و مقرری معین دارند. و ثانیاً قونسولهای افتخاری یا متخبه که تبعه خارجه هستند و مواجب و مقرری نداشته از آنرو مستخدم دولت علیه نیز محسوب نیستند، موافق شرایط دخول بوزارت خارجه قونسولهای اربعه مرسله از تبعه خارجه معین نتوانند شد.

(ماده سیم) تمام قونسولهای دولت از هر درجه و نوع که باشند تابع اوامر وزارت خارجه و در تحت ریاست و نظارت سفارت دولت علیه مقیم آن دوات واقع اند و این ریاست و نظارت در میان خود قونسولها از درجات علیا نسبت بسفلی نیز بحری و مرعی خواهد بود.

(ماده چهارم) ویس قونسولها باید دستور العملهای کافی از قونسولهای که آنها را معین میکنند داشته باشند و مکاتبات و راپورتهای خود شانرا باسم قونسولها روانه نمایند و کذاک قونسولها باید دستور العمل لازمه را موافق این نظام نامه از جنرال قونسول بخواهند و با او مکاتبه نمایند مگر در صورتی که وزارت خارجه یا سفارت دولت علیه بملاحظه مخصوص مکاتبه را مروده بلا واسطه را با قونسولها و ویس قونسولها لازمه دانند.

(ماده پنجم) قونسولها و غیره باید اشخاص باحبث و ف باشند و بهیچ وجه مجاز نیستند بدون اجازه وزارت

خارجه دوات علیه سمت قونسولی دولت خارجه را از درجه اربعه قبول نمایند.

(ماده ششم) جنرال قونسولها مسئول تمام حرکات و اعمالی هستند که در قلم و ما موریت آنها اتفاق میافتد چه از خود آنها ناشی شود و چه از اشخاص که در تحت آنها هستند از قبیل ویس قونسولها و وکلای قونسولها و غیره اگر جنرال قونسول یا قونسولها از طرف مروسی یا اجزائی خیانت یا عمل قبیح یا شنیعی مشاهده کنند مکلف اند بوزارت خارجه اطلاع داده عزل آنها را در خواست نمایند در صورت اهمیت خیانت یا اعمال قبیحه جنرال قونسول و قونسول مجازاند اجزاء خان و بدگدار را موقتاً از کار خلع نمایند و بوزارت خارجه مراتب را اطلاع داده کسب تکلیف نمایند بعد از اینکه قونسول خلع ویس قونسول و غیره را بحکومت محابه اطلاع داده و دیگر مسئول حرکات آنها نخواهد بود.

(ماده هفتم) هنگام لزوم یا اقلاسالی یک مرتبه جنرال قونسولها و قونسولها مکلف اند در تمام یا قسمتی از قلمرو ما موریت خود گردش نموده وضع ویس قونسولگریها را معاینه نمایند و راپورتهای لازمه را در تکمیل آنها و ترویج تجارت دوات علیه با ممالک متوقف فیهای قونسولها بوزارت خارجه و سفارت دولت علیه بدهند

فصل دوم اتصاب قونسولها و غیره و دخول آنها بمشاغل مرجوعه.

(ماده هشتم) جنرال قونسولها به تعیین وزارت خارجه منصوب و ما مور میشوند قونسولها به تعیین جنرال قونسول و تصویب سفارت دولت علیه و امضای وزارت خارجه، ویس قونسولها و وکلای قونسولها با انتخاب جنرال

قونسول و تصویب سفارت ولی بعد از تصویب سفارت باید اسامی و سایر اطلاعات راجعه بانها بوزارت خارجه ارسال شود. این ماده بالسویه در باره انتصاب جنرال قونسولها و قونسولها و ویس قونسولهای افتخاری که بانتخاب سفارت و امضای وزارت خارجه است مجری است.

(ماده نهم) تبصره همینکه تصدیق مأموریت قونسول بتوسط سفارت از دولت متوقف فیها تحصیل شد قونسول فوراً باید مراتب را بوزارت خارجه اطلاع دهد.

(ماده دهم) اگر ایجاد قونسولگری یا ویس قونسولگری در محلی لازم شود جنرال قونسول مکلف است لزوم ایجاد قونسولگری را با جهات آن سفارت متبوعه راپورت نماید فرجهور تیکه سفارت مزبوره عقیده جنرال قونسول را به پسندد راپورت جنرال قونسول را با ملاحظات خود بوزارت خارجه ارسال دارد و فقط بعد از اجازه وزارت خارجه اقدامات لازمه در ایجاد قونسولگری جدید بعمل آید.

فصل سیم دفترخانه قونسولگریها و غیره (ماده دهم) اجزاء قونسول خانها و غیره از طرف وزارت خارجه معین خواهند شد ولی اگر وزارت خارجه تعیین اجزارا از مرکز صلاح ندید قونسولها و غیره با اجازه وزارت خارجه مجازند که خودشان تهیه اجزاء لازمه را بنمایند در این صورت تمام مسئولیة انتخاب اجزاء بمسئول قونسولها و غیره خواهد بود و بدیهی است که قونسولها همینکه اجزای نتیجه آنها در وزارت خارجه معرفی و ممضی شدند مکلفند که اسامی و اطلاعات لازمه را بطوریکه مستلزم دفتر سجل احوال است در ورقه مخصوص بوزارت خارجه بفرستند تا ضبط دفتر سجل احوال شده معروف وزارت خارجه باشند.

(ماده یازدهم) اجزای قونسولخانها تیکه اسامی آنها در دفتر سجل احوال وزارت خارجه مضبوط نیست اجزای شخصی قونسولها و غیر محسوب خواهند بود و بهیچوجه حق ترفیع رتبه و اخذ مواجب و مرسوم نخواهند داشت

(ماده دوازدهم) اجزای قونسواگریها و غیره در تمام اعمال و کردار و رفتار خود شان تابع قونسولها و روسای مستقیم خود خواهند بود

(ماده سیزدهم) قونسولها و غیره مکلفند که دفتر ذیل را در کمال نظم و ترتیب نگاه دارند (اولاً) دفتر فهرست نوشتجات وارده باین معنی که خلاصه نوشتجات وارده دران دفتر با ترتیب نمره ثبت خواهد بود تا اینکه کاغذها گم نشده و در صورت لزوم بکمال سهولت پیدا شوند (رجوع کن بمحققات نظامنامه نمره ۱)

(ثانیاً) دفتر نوشتجات بهر زبانی باشد با خلاصه مطاب و ترتیب نمره (رجوع کن به ملحقات نظامنامه نمره ۲) (ثالثاً) دفاتر ضبط ترتیب این دفاتر بسته بر جمعیت قونسولخانها و کثرت وقت مشاغل و مکاتبات آنهاست این معنی که اگر کارهای تجارت و دعاوی زیادی در قونسولخانه مطرح و حل میشود ترتیب دوسیه (یاد دفتر کار) بهتر است و موافق این ترتیب نهم نوشتجات راجعه بکاری چه صادره و چه وارده به ترتیب تاریخ در مجلدی مرتب شده در روی مجلد اسم کار یا نمره کار نوشته میشود و چون مجلدات کار میتوانند بمرور زمان به مته و بیشتر برسند بجهت سهولت پیدا کردن دفاتر کارها کتابچه ترتیب داده میشود که موسوم است به (نماینده عمومی) و دران کتابچه ترتیب حروف تهجی اسامی کارها ثبت میشود باقیده:

دفتر کارها در مقابل اسامی بعد از ترتیب این کتابچه دیگر پیدا کردن دفاتر کارها اشکالی ندارد (رجوع کن به ملحقات نمرة ۳) ولی اگر کارهای قونسولخانه زیاد نبوده دعاوی قات داشته باشند ترتیب (دوسیه) پسندیده نیست و ترتیب ذیل بهتر است در این صورت ثبت نوشتجات صادره در مجموعه مرتب شده با نمرة قید میشود و گندک تمام نوشتجات وارده حیناً در مجموعه دیگری با نمرة مرتب میشود و سال بسال این دو مجموعه عوض و تجدید میشود با این ترتیب کتابچه نماینده عمومی لازم نخواهد شد زیرا که دفتر فهرست نوشتجات وارده با نمرة و دفتر ثبت خلاصه نوشتجات صادره با نمرة همان نماینده مجموعه ها خواهد بود و فقط لازم است که ترتیب نمرة های نوشتجات وارده و ثبت نوشتجات صادره در مجموعه ها موافق نمرة های دفتر فهرست نوشتجات وارده و دفتر ثبت خلاصه نوشتجات صادره باشد (رابعاً) دفاتر تذکره و (ویزا) بطوریکه در قانون تذکره و ویزا مقید است (خامساً) دفتر شهادتنامه هائیکه در تصدیق تاریخ ولادت و عقد نکاح و فوت و سایر اتفاقات از قونسولگری های غیره باشخصات متفرقه داده میشود (سادساً) دفتر مخصوص بجهت ثبت وصیت نامهاییکه بجهت اعتبار به قونسولگری ها ارائه نموده تصدیق آنها را میخواهند این وصیت نامهارا باید متواتراً بدون گذاشتن جای خالی با تمام امضاها و ضامین متن و حاشیه ثبت نمایند و خراشیدن و تراشیدن کتابچه بکلی ممنوع است و در صورت اثبات این حرکت قونسول مسئول خواهد بود اگر سهو و نسیانی در نوشتن کلمه شده باید آن کلمه را قلم زدبالای آن کلمه قلم خورده کلمه و عبارت بجهت را بنویسند و هر دفعه (جنرال قونسول)

یا (قونسول) این اشتباه را بانارجح وقوع آن قید کنند و امضا نمایند و علاوه بر آنچه گفته شد باید (جنرال قونسول) یا قونسول ترتیب ورود و وصیت نامه را بدفترخانه قونسولگری با اطلاعات لازمه راجعه بوصیت نامه در همان دفتر قید کند (سابعاً) دفتر ثبت مبلغ ترکه تبعه ایران که در قلمرو قونسولگری فوت شدند و گندک ثبت و جوهریکه امانتاً به قونسولخانه تسلیم و قبض رسید گرفته شده است (ثامناً) در قونسولخانه های کنار در یا دفتر مخصوص ترتیب داده میشود بجهت ثبت وقت ورود کشتیهای ایران به محل توقف قونسول و خروج ازان محل و گندک اسامی آن سفاین (ماده چهاردهم) از دفاتر مزبوره قونسولگری ها مجازند که در صورت لزوم دفاتر مقتضیه را نیز ترتیب دهند

بقیه دارد

اكتشافات و اختراعات

(پرسیوس) - اختر تازه در این فضاء لایناهی پیدا شده و بنام (پرسیوس) نامیده گشت ، بُعد مسافت میان ما و آن اختر باسیر فروغ آن اختر برابر است ، اعنی شعاع نور خویش را که بما میفرستد پس از (۳۱۳) سال بما میرسد ، پوشیده مماناد سرعت نور در هر یک (ثانیه) نزدیک به یازده میلیون میل است .

ترکیب هوا و کشفیات تازه در ترکیب آن

هفت سال قبل در خصوص ترکیب هوا که محیط بر ما است گفتار فرزنانگان قدیم و جدید را با پیدا شدن عناصر تازه در آن مفصلاً نوشته ایم ، اکنون هم دریکی از مجلات فرانسه شرح مختصر از کمیت آنها در هوا دیده و به ترجمه و درج آن پرداختیم و آن اینست .

از امتحان در آید (غاز نفت) باد کوبه وامیرکارا
به قیمت آب خواهیم خرید.

قوت حرارت آفتاب

استاد (نچارلس ولسن) اختر شناس معروف مشاهدات
خودش را در باره حرارت شمس که از سالیان دراز در
(مرصد پادشاهی) لندن تجربه کرده و به درجه یقین
رسانیده است بتازگی چنین اعلان نمود.

درجه حرارت آفتاب (۶۲۰۰) درجه سانتیگراد (مئینی)
میباشد، و مرجع اینست که در جو چهارصد درجه از حرارت
آفتاب مکیده شده است، زیرا در اوائل این قرن
میزان حرارت آفتاب شش هزار و ششصد درجه بود،
و پوشیده نیست همینکه درجه حرارت در آب بصد رسید
جوشیدن آغاز کند.

منع آتش و سوختن از زرخ

اکثر ملابص از زرخ و پرده و دیگر اشیاء بزودی
آتش گرفته می سوزند بتازه گی در اور بانرگب کباوی
آسانی را یافته و مخترع آن هم جائزه شایان گرفته است،
اگر ملابص بدین ترکیب آغشته شده و بخشکد و پس از
آن به طرز معمول اوتو کشیده شود از شراره آتش
محفوظ خواهد ماند و آن بدین قرار است.

آب جوشیده هزار جزء، سلنات دوآه و نیاک، هشتاد
گر بونات دو سود بیست، و اسید بوریک سی و پنج،
بوراکس بیست، انشاسته بیست جزء، اجزاء را بهم آمیختند
و در آب جوشیده آغشته و ملابص و یا هر پارچه را که بخوانند
بدین مزایج فرو برده پس خشکانیده اوتو بکشند که ا
آفات شراره و آتش محروس خواهد ماند

پرتو رنگنگ

فوائد این مکتشف تازه در این اندک مدت

مانا کنون هوارا مرکب از (اوکسیژن و نیتروژن)
میدانستیم ولی دانشوران ما غازه های چندیرا پس از
تجارب و اختبارات فراوان نیز در آن دیده و بدین
سان است.

(ارغون) = در صد جزء از هوایك جزء از این
موجود است،

(نیون) = از يك تا دو جزء در صد هزار جزء از
این عنصر در هوا موجود است.

(هلیوم) = دو جزء در هر يك ملیون جزء از هوا
موجود است،

(کریتون) = يك جزء در هر يك ملیون جزء
از هوا موجود است،

(زینون) = يك جزء در هر بیست ملیون جزء
از هوا موجود است،

(میتراغون) = هنوز کمیت این عنصر معین نشده است.
(نور علی نور) یکی از جراند (مونبخ) در آلمانیا

میگوید، یکی از کیمیاگران به اکتشاف ماده سائله
تازه موفق شده که مقدار کمی از این ماده اگر به آب

پاک مزوج گردد از این امتزاج سائل لطیف تازه متکون
میگردد که در جمیع خواص چون (زیت پترول) اغی

(غاز نفت) میباشد، و برای تولید نور و حرارت بخوبی
مستعمل شود، اگر در لامپهای فنیله دار معروف

سوخته شود نور آن سفید تر و درخشنده تر از نور (زیت
نفت) خواهد بود و مانند (پترول) هم سریع الاتهاب

نیست، لهذا شرکت بزرگی در لندن برای فحص این
ماده و تجربه آن منعقد شده و تا کنون نتیجه امتحان آنان

اعلان نشده است، اگر این اختراع عجیب بدین سان

پوشیده نیست و بتازه گی فائده دیگر که نزد اطبا و حکومات خیلی اهمیت دارد از آن ظاهر شده است و آن اینست . اگر کسی را شبه در مردن کسی بهم رسد چنانکه در اکثر امراض عصبیه و سکتة مخیه و قلبیه و رتویه بهم میرسد بدن او را بدین پرتو معاینه کنند اگر زنده است و بیات دارد هیکل عظمی او اعی استخوانهای او در رسم نمود آرزو خواهد شد و اگر مرده است استخوان دیده نشده فقط پوست و گوشت او پدید آید میگردد که در آن وقت بسانک و شبه مردنش محقق است .

با دور بین در آفتاب دیده و در مرصده ارضاء متعدده کرده و هر يك رأی خود را با ادای علمیه بیان نموده ولی در تعیین مساحت آن بقعه اختلاف اقوال در میانشان بوده تا اینکه اخترشناس نامدار استاد (بروشار) تعیین مسافت لکه را با نهایت دقت معین کرده و از طرف عموم اخترشناسان نامدار اروپا پذیرفته شده و مصدق گردید و آن اینست = سطح لکه سه (بابون) و نیم بلیون میل مربع است ، بلیون را انگلیسان (میلیار) خوانند . و طول این لکه (۱۸۸۰۰۰) میل و عرض آن (۳۰۰۰۰) میل است ، استاد بروشار میگوید این لکه مرکز حرارت و اشعه قویه است و احتمال میرود که بر کره ارض انعکاس کرده و در زمین اضطرابات کبرائی احداث نماید ،

فلقه از فلتات طبیعت در لبنان

جریده (لبنان) میگوید در (بطمه) یکی از دهگه های لبنان در چهار ماه قبل زنی زاییده و مولود از يك طرف پسر و از طرف دیگر دختر است ، و (دبر) او در منتصف دوران او است این مولود مبارک پنجاه و يك روز در جهان زیسته و پس رخت بدیگر جهان کشیده . است

درباره

اخبار متفرقه

فواره چون بلند شود سرنگون شود

اذا تم امر بدأ نقصه ترقب زوالا اذا قبل تم

امیر کاتبان در علوم و فنون و صنایع به اقصی درجه کمال رسیده و اکنون به حسب قانون نشو و ارتقا گویاروی به انحطاط و تاخر گذارده اند گواه گفتار ما اینست =

بتازگی انجمنی بنیاد کرده و بنام (انجمن بنوخذ نصر)

یعنی بنح نصر) نامیده اند سبب تسمیه انجمن بدین نام اینکه چون بنا بر اقوال (توراة) خداوند او را که پادشا

(حکمت) نشانه دیگر برای اثبات مردن خیلی آسانتر از این هم موجود بوده و آن اینست سوزنی به بدن مرده مشکوکه فرو کنند اگر حیات داشته باشد جای سوزن ناپیدا و دیده نخواهد شد و اگر مرده است جای سوزن نمود آرزو خواهد شد مثل اینکه سوزنی به يك قالب صابون فرو کرده و جایش بازمی ماند ، بدن مرده حقیقی هم بد انسان خواهد شد .

(اکتشاف مکروب برص) مجله طبیه انگلیسی می

نویسد ، دوکتور (جودهبو) مدیر بیمارستان برص در جزیره (مولوکای) از جزائر (سندویج) مکروب برص را بعد از بحث طویل در سالیان دراز در اجسام (پشه و ساس سرخک = جوجی) یافته و رأی او این است ، که ساس در نقل جراثیم برص اقوی از پشه میباشد ، زیرا ساس در وقت خواب هجوم کرده و بدن را گزیده مکروب برص را داخل خون خفته می نماید ، پس از لقاح بیمار اهل خانه بدون اینکه رخت خواب را تطهیر نماید در آن خسبیده و گرفتار برص می شوند .

لکه یا گودی در قرص خورشید

ارسال حدوث این لکه را اخترشناسان

۱۱ امراء قرض را برای ملذات و اسراف میگیرند و باید آنرا با کمال قسوت و سختی محکوم آورد.

ولی محکمه پس از شنیدن عذر شاهزاده بانو رایست و یک روز دیگر مهلت داد. (حکمت) عبارت شاهزاده بانو از اصطلاحات خاص ما بوده که شاهزاده خانم را مبدل به بانو نمودیم مرده شوی این لفظ (خان و خانم) را بردار آن روزیکه در ایران شایع شد و ایران و ایرانیان را اذخال الفاظ عربیه بس نبود که مغولی را هم بدان (خس بود به خار نیز پیراسته شد).

بعد از نوشتن این مقاله خبر رسید که روزنامه نگاران قرض شاهزاده بانورا میان خودشان قسمت کرده و هرکس بهره خود را داده شاهزاده بانورا از زیر بار قرض رهائی بخشوده اند.

مزد پادشاهی سالیانه پادشاهان

۳۳۰۵۰۰۰	لیرا	قیصر روس
۲۰۰۰۰۰۰	لیرا	ایمپراتور آلمانیا
۴۷۰۰۰۰۰	لیرا	پادشاه انگلیس
۳۸۲۲۰۰۲	لیرا	ایمپراتور روسا و مجار
۳۳۸۰۰۰۰	لیرا	پادشاه اسپانیا
۳۲۵۰۰۰۰	لیرا	ایمپراتور چین
۳۰۰۰۰۰۰	لیرا	ایمپراتور ژاپون
۱۵۷۰۰۰۰	لیرا	پادشاه ایتالیا
۱۳۲۰۰۰۰	لیرا	پادشاه بلجیک
۱۰۰۰۰۰۰	لیرا	پادشاه ایران
۶۶۶۶۰۰۰	لیرا	پادشاه هولند
۶۶۰۰۰۰۰	لیرا	پادشاه دانمارک
۶۰۰۰۰	لیرا	پادشاه یونان

(بابل) بوده به صورت گاو مسخ نموده است. لهذا ایشان هم نام او را رمز انجمن خود کرده و چون چهار پایان چرنده بدست و پای خود راه رفته و به حالت نوحش اولی برمیگردند و میگویند این گونه معیشت آنها را زور مند کرده و عمر را در از کند. سبحان مقسم العقول والارزاق.

العدل اساس الملك

نوشیروان داد گر گفته است: کشور مردان است و مردان به زر و زر از داد پس داد بنیان کشور است. تازیان اینرا معرب کرده چنین گویند،

(لا ملك الا بالرجال ولا رجال الا بالمال ولا مال الا بالعدل فالعدل اساس الملك) شاهزاده بانو (لوزبه) دختر اعلیحضرت پادشاه بلجیک بدویست و چهل هزار فرانک مدیون شده و در سر میماد از عهده ایفاء بر نیامده ار باب طلب به محکمه مستعجله شکایت کرده و حکم بر حجز زیب وزیر و جواهرش که از مادرش به میراث مانده است می نماید و در ۲۴ نفوس مبر گذشته روز فروش آنها در مزاد حراج علی بود. شاهزاده بهردری سر برده بهر نحو که بود دویست هزار فرانک آماده کرده و از مابقی عاجز می ماند، همینکه روز فروش رسید محکمه از جواهر فروشان بلژی و انگلیسی و فرانسوی پرگشته و اعلان بیع را منتظر شدند، شاهزاده بانو خودش به محکمه آمده مهلت میماد دیگر از ار باب طلب خواست، ار باب طلب راضی نشده و گفتند اگر محکمه گوش بسخن شاهزاده بدهد آنگاه میان مات و امرا امتیاز و فرق خواهد گذاشت، شاهزاده بانو چون اینرا شنید از سوز دل گفت: بخشایش بالای داد است: یعنی رحمت فوق عدل است. ار باب طلب گفتند شاهزاده بانو این گونه نیست رحمت برای مدیون فقیر است که قرض گرفته تا برای خانواده اش گشایش روزی بخشند

پادشاه سرب	۰۰۴۸۰۰۰	لیرا	پس از امتحان و گرفتن شهادت نامه در مدارس جدید
پادشاه اسوچ	۰۰۱۸۷۸۵	لیرا	آموزگار دیگر دختران خواهند شد. آفرین بر این ملت
رئیس جمهوری فرانسه	۰۰۲۴۰۰۰	لیرا	هشبار و آفرین بر این دولت بیدار، و هزاران هزار آفرین
رئیس جمهور امریکای متحده	۰۰۱۰۰۰۰	لیرا	نیز بر ما !!!
امیر مونت نگرو	۰۰۰۸۰۰۰	لیرا	گردش در گرد زمین در پنجاه روز
رئیس جمهوری اوروکوای	۰۰۰۷۶۱۳	لیرا	چندکس تا کنون دور کره ارض را گشته و نامور شده اند
رئیس جمهوری چیلی	۰۰۰۳۶۰۰	لیرا	اول (فوج) نام از پاریس تا پاریس در هشتاد روز دوم
رئیس جمهوری سلفادور	۰۰۰۳۰۰۰	لیرا	یک نفر انگلیسی از لندن تا لندن در هشتاد روز سیم (پلی
خدایو مصر	۰۱۰۹۰۰۰	لیرا	بلای) در شصت و سه روز چهارم (جورج تراین) در
روشن کردن مسجد و حجرات نبویه با کربانی			شصت و یک روز. پس از این هرگز گمان نپذیرفت که از
در هفته پیش تاغرافیا این خبر را نوشته و امتیاز آنرا			این مدت کمتر بتوان دور زمین را گشت، تا در این
نیز بگو مپانی انگلیسی داده بود و همه متحیر از این			هفته یکی از مجلات امیرکا چنین می نویسد: که در پنجاه
امتیاز بوده که چگونه غیر از مسلم را به حریم شریفین			روز با (صد و چهل و شش) لیرای انگلیسی بدین گونه
راه داده اند تا اینکه اخبار صحیحه از استامبول رسیده که			میتوان بگرد زمین گشت =
تورید ادوات و آلات لازمه از مپانی انگلیسی بوده ولی			از (نیویورک) تا به (شربورخ) فرانسه در پنج روز.
مأمورین و مهندسین کربانی عثمانی میباشند و اجانب حق			از شربورخ) تا پاریس در هفت ساعت. اجرت جهاز و راه
دخول بدانجا ندارند و این شده که شورش دلها آرامی گرفت.			آهنی از نیویورک تا پاریس سی و یک لیرا.
			از پاریس تا پترسبورخ باره آهنی سی ساعت و اجرت
			راه آهنی شانزده لیرا.
مدرسه جامعه اناتیه در ژاپون			از پترسبورخ تا (مسکو) سیزده ساعت و اجرت راه
در (توکیو) پای تخت ژاپون از شش سال قبل مدرسه جامعه			آهنی دو لیرا و نیم لیرا.
خاص برای اناث باز شده و پیر ارسال در آن سیصد			از (مسکو) تا (ویلااد فوستک) هفده روز اجرت
نفر دختر در آموختن بودند. و این مدرسه جامعه بر سه			راه آهنی سی و یک لیرا.
قسم منقسم است اول قسم علوم و فنون جمیله یعنی (شعر			از (ویلااد فوستک) تا (یوکوهاما) در ژاپون در
و موسیقی و تصویر و رسم) دوم قسم ادبیات ژاپونی سیم			چهل و هفت ساعت اجرت جهاز هفت لیرا و نیم لیرا.
قسم آداب لغت انگلیسی و در این جامعه نیز حکمت			از (یوکوهاما) تا (ساحل امریکای غربی) در دوازده
ایسه و نظریه و علم اخلاق و علم تدبیر و علم حقوق و بعض			روز و اجرت جهاز چهل و یک لیرا.
وصحبه و فن تدبیر منزل آموخته میشود. که اینان			

از آنجا (نیویورک) در پنج روز اجرت راه آهنی بیست و یک لیرا، مجموع روز پنجاه روز، و اجرت سفر در خشکی و در دریا صد و چهل لیرا انگلیسی میشود،

سرشماری در مملکت رومانیای

اهالی رومانیای در هفت سال قبل (۶۰۴۵۰۸۹)

نفر بودند ولی به موجب سرشماری پیرارسال ۱۹۰۵

میلادی (۳۰۰ ر ۴۸۰ ر ۶) نفر بوده اند رومانیای در سال

۱۸۷۷ میلادی بعد از ختام جنگ رومی و عثمانی از عثمانی

منفصل شده و در نگاه بنام مملکتین (افلاق و بندگان)

نامیده می شد و پس از استقلال بنام (رومانیا) نامیده شده

پای تخت این مملکت (بخارست = بکرش) است.

اسطول المانی در سال ۱۹۱۴

به موجب اخبار برلین پس از هفت سال آلمانیا دارای ۳۷

هفت جهاز زرپوش از طراز بزرگ خواهد بود که در

کوچکترین آنها چهار جهاز است گنجایش ده هزار تونیلات

و در بزرگترین آنها که بیست جهاز است گنجایش ۲۰

هزار تونیلات بوده باشد و دارای چهار ده جهاز زرهدار از

طراز بزرگ نیز خواهد بود که در کوچکترین آنها که پنج

تا است گنجایش (۹۰۵۰۰) تونیلات خواهد بود

و این اسطول در سال ۱۹۲۰ = سیزده سال بعد مرکب

از هشتاد و پنج جهاز زرپوش بزرگ خواهد گشت و در سال

۱۹۲۷ = بیست سال بعد با اسطول انگلیسی برابر خواهد شد

اگر انگلیسان بر عدد زرپوشان خود نیززایند.

سرب گذاخته بگوش محترکین

امسال به اسباب سیاسی و حوادث جو به در روسیه

و هندوستان و عثمانیه و انگلیس و آمریکا و جزایر

خشکسالی و قحط روی نموده که تفصیل آنها را

روزان گوشزد جهانان میکنند حتی در مصریک (اردب) گند

که سه ماه قبل به هشتاد فروش بود اکنون به صد و شصت

رسیده است همکذا جمیع ماکولات که یک لث و کسری

بر قیمت آنها افزوده است. این قحط و غلاد در کشورهای

منتظم و حکومت منتظمه بوده تا چه رسد بکشور ایران.

خدا انکرده دور نیست که از غفلت حکومت بهره از این

صدمات نیز عائد ایران گردد. لهذا دارالشورای ملی

و حکومت سنیه ایران است که هر چه زود است منع و غدغن

سخت در بیرون نبردن گندم و دیگر حبوب صادر کرده

و مخازن احتیاطیه از گندم در هر ولایت و ایالت باندازه

خوراک آنجا از امروز تدارک نموده و سرب گذاخته بگوش

محترکین بر زندان خدا نکرده بار قحط و غلاء علاوه و سرب

بار دیگر در دهای بیدرمانان نگرود و السلام.

شماره بی اسرائیل در جهان

از سرشماری رسمی امسال عدد یهود در عالم

(۱۱۰۰۸۱۰۰۰) نفر است، از اینان (۷۷۴۸۰۰۰)

در فرنگستان و (۱۰۵۶۰۰۰) در آمریکا و (۳۵۴) هزار

در افریقا (۳۴۱۰۰۰) در آسیا و (۱۷۰۰۰) در

اوسترالیا میباشند.

و تقسیم آنان در اورپا بدین گونه است

در روسیه (۵۱۰۰۰۰) و در نمسا و مجر (۵۱۰۰۰۰)

و در آلمانیا (۶۰۰۰۰۰) و در بلقان (۴۰۰۰۰۰) و در

بلجیکا و هولاندا (۱۰۵۰۰۰) و در فرانسه (۸۰۰۰۰۰)

و در ایتالیا (۴۰۰۰۰) نفر.

بزرگترین مهاجرین آنان هفتصد هزار در نیوی

و دانش آموز باشد فرزندش را پرورش نیکو داده و تمام
اخلاق خواهد آموخت، و اگر نه کودکی ادب و غیره مذهب
بدپرورش از مادر خود جدا خواهد شد و از مدارس و مکاتب
خارجی اگرچه همه تعالیم آنها صحیح هم بوده باشد قابل
هیچ گونه تهذیب اخلاق نشده و تعالیم صحیحه در آن
چون مس مفضض شده را مماند که باندک استعمال مس
مس خواهد شد. پس باید دختران را خوب آموخت که
در گاه مادری فرزندانشان را خوبتر پرورش دهند.

مدرسه دوم مکاتب و مدارس معلومه خارجی است
که پسر همینکه از مدرسه خانه گی در آید بدانها رفته
علوم صحیحه و فنون معقوله را در آنجا بیاموزد. زیرا مدرسه
که علوم صحیحه در آن نباشد ضرر آن بر شاگردان
فزونتر از اضرار به مدرسه ترفتن است، پس باید دبستانهای
درست باز کرد و علوم صحیحه در آنجا باید آموخت.

برای هر صد خانوار در هر ده شهر مکتب (ابتدائی)
و برای هر هزار خانوار یک مدرسه (ثانوی) باز شود.
و در هر ولایت یک مدرسه (کلیه) و در هر ایالت یک
دیگر مدرسه (جامعه) باید باز شود، و تعالیم هم از طرف حکومت
الزامی و اجباری باید باشد و دستور العمل دروس و تعالیم همه
اینها از (ابتدائی) تا (جامعه) باید یک شیوه و سیاق
بوده باشد و سرمونی از یکدیگر اختلاف نداشته باشند.

مصارف این مکاتب و مدارس به حسب نسبت
مدارس به اهالی و نسبت اهالی بر مدارس باید یک مقدار
از رعایا و یک مقدار از حکومت باشد اگرچه در اکثر
دول همه مصاریف را حکومت میدهد.

امروز برای ایران بهتر از دستور العمل مدارس
(آلمان) مناسب نیست که بدانها حسب اللزوم در (ابتدائی)
و (ثانوی) فرائض دینی و اخلاق ملی هم باید علاوه گردد و السلام.

هزار در (ویانا) و نود و پنج هزار در برلین
پانصد هزار در لندن و سی هزار نفر در بیت المقدس
با مقیم اند.

توانگری و ثروت فرانسویان

از احصاءات موارث در فرانسه چنین معلوم میشود
ثروت افراد در فرانسه سال و روز افزون است در سال
۱۸۷۳ میلادی ابرادات چهار میلیارد فرانک بوده ولی در سال
۱۹۰۲ شش میلیارد بود، واردات از منقولات از سال
۱۸۷۳ تا سال ۱۹۰۳ از یک میلیارد به یک میلیارد و هشتصد
میلیون فرانک رسیده است. هیچ ملت را مثل امت
فرانسه در خارج مملکت خود منقولات نبوده که واردات
منقولات در سال ۱۸۷۳ یک میلیارد و پنجاه هشت میلیون
بوده و در سال ۱۹۰۳ یک میلیارد و هشتصد و نود چهار میلیون
رسیده است.

قرض فرانسه در سال ۱۹۰۴ سه سال قبل یک میلیارد
و نیم میلیارد فرانک بود

حکمیات حکمت

هر آن مات که در همه کارهایش به حکومت متوکل
شود آن ملت نادان بوده و در هیچ وقت از اوقات هرگز
ترقی نخواهد کرد.

هر آنکس در کارهای خود و در کارهای متعلق
به ترقی ملت اعتماد بر دیگران کرده و خود شانه نهی کند
و بر خویشتن اعتماد نکند آنکس همیشه سرگردان و زیانکار
بوده و ملت او هم گاووان و خران بار بردار بیگانه گان
خواهد بود.

مردم را دو دبستان است یکی دبستان خانه گی که
آموزگار او است، پس اگر آموزش گارش دانشمند

اخبار محلیه

خیر مقدم و دیده مان روشن

این هفته دو اختر درخشانند: برج عزم و حزم ملت دوستی و دو کوکب سیار سپهر وطن پرستی جناب حسینقلی خان ارفع الملک پیشخدمت هایبونی و جناب میرزا محمدخان ناصر حضرت منشی هایبونی و منشی اول انجمن خیریه (تبریز) پس از گشت و گذار و خریداری کالای رایج بازار وطن با اندوخته های فراوان بهر فریضه گذاری رو بسوی کوی جانان به بیت الله الحرام و زیارت مدینه منوره وارد مصر شدند

و دیده آرزو مندان وطن مقدس را از دیدارشان روشن نمودند و زبان حال (حکمت) را بدین دو شعر تازی گویان نمودند

لو علمنا مجیشکم بئذنا

مهجة القلب اوسواد النیون

و فرشتا علی الطريق خودآ

لیکون المرور فوق الجفون

از خدای دانا و توانا نیاز مندیم که مانند این دو بابل گویا و دو بوته گل بویا در شاخسار و گلزار وطن اقدس فروان بوده و بروید حفظهم الله الملك المتعال فی الحل و الترحال

روز سه شنبه پر بروز خبر عزل جناب بقاء السلطنه از جنرال قونسولی در قطر مصری رسیده و جناب فخر الوزاره مهران خان قونسول دولت علیه در اسکندریه موقتاً تا تعیین قونسول جنرال تازه وکیل جنرال قونسولگری مصر معین شده است.

در روز ۲۰

اهم تلغرافهای در هفته (روتز و هاواس)

(دو شنبه ۴ ذوالقعدة = ۹ دسمبر) از نیویورک،

یازده هزار نفر اجنبی روز شنبه از بی کاری و کم پولی

رهسپار اروپا شدند، از (ستوکولم) ملک

رخت بدیگر سرای کشید، و پادشاه تازه سوگند یاد

و بنام (غوستاف پنجم) نامیده شد، از کلکتہ، قطار راه آهنی را نزد یکی (خرچپور) که حاکم (بنگالہ) در آن بود خواستند بپراندند ولیکن قطار از خط در نرفت و سبب معلوم نیست

(سه شنبه ۵ ذوالقعدة) از (روما) اعضاء کنگش

قرار نهانی بگشودن مکتب دولی برای (حفظ الصحه)

مقرر نمودند و مرکز آنرا در (پاریس) قرار دادند.

لندن، ایمپراتور آلمان از قصر (هایکاف) بدینجا برگشته

و تندرست بوده در قصر (بکنهام) با ملک (هاکون)

پادشاه (نروج) و ملک اِدوار هفتم صرف ناهار نمودند.

(چهارشنبه ۶ ذوالقعدة) از پترسبورغ امروز به

محكمة جنرال (ستوسل) و جنرال (ریس) و جنرال (فوک)

و امیرال (سمیروف) در مسئله تسلیم (پور آرثور) شروع

شد، وزیر مالیه از دوما تصدیق قرض (۱۹۵) ملیون

روبل را خواسته که نقص مصاریف جنگ و ساختن راه

آهنی تازه و مساعدت قحط دیده گان را از این پول تدارک

کنند، از (طرابلس الغرب) علی شامل پاشای کرد که

بسبب کشتن رضوان پاشا در اینجا مجوس بود مرد،

(پنجشنبه ۷ ذوالقعدة) از (جنندن) - ایمپراتور

در جهاز (هونزلون) از لندن برگشته و وارد شد.

از (بوداپست) مجلس نوآب اتفاق مجار را باوتریش

تصدیق کرد.

(آدینه ۸ ذوالقعدة) از استامبول، دوائر عمکر

در اینجا با کمال گرمی و شتاب به سبب اشگر کشی برحدو

ایران مشغول است و در جاهای متنازع فيها بر عدد و

ده گشت و اسلحه و ذخائر تازه بدانجا فرستاده
و پرتو پاشانیز به بغداد رهسپار شد.

(شنبه ۹ ذو القعدة) از (روما) پادشاه ایتالیا فرمان
داد که نامهای خورا کها در قصر پادشاهی بزبان ایتالی
نوشته شود و در آنجاها بجزار شراب ایتالی شراب بلاد دیگر
نوشیده نشود.

(یکشنبه ۱۰ ذو القعدة) (از سلاویک) دوهزار
نفر از اهالی (مونت نگر) مسلمانان از حدود عثمانیه نزدیکی
(کوسنجی) گذشته اهالی دود هگده البانی را سر بریدند.

(دوشنبه ۱۱ ذو القعدة) از نیویورک از نشر
اخبار تازه در جراند مرد به هیجان آمدند و از آن جمله
جمع جاشویان ژاپونی در اسطول امیر کانی که رو بسوی
اوقیانوس با سیفیکی میرفت و مستخدم اسطول بودند در
بندرهای (هاتون) پیاده شان کردند زیرا علی الدوام
ایشان یاد داشتها (نوت) مینوشند و یکی از آنان یاد
داشتی از طریقه تازه که برای ضبط نوپها تازه اختراع
شده بود مینوشته است.

از (شهران) دوسر باز (عسکر) دو نفر دکاندار را
کشته و محبوس شدند، اقارب مقتولین و مجلس شوری
کشتن دو قاتل را فوراً خواستند، و وزارت استعفاء کرد
گروه انبوه که بعضی آنان مسلح بودند نزدیکی قصر مجلس
شوری گرد آمدند، دکانها و کاروانسراها بسته شد، فشنگ
گلوله دار به کشیکیان قصر پادشاهی و عسا کرده شد
شاه نظام السلطنه و نظام الملک را خواست، خبر به مجلس
شوری رسید که رئیس الوزراء سابق و وزیر داخلیه فرمان شاهی
گرفتا شدند، مجلس شوری از شاه سبب گرفتاری این
نفر را خواست و اعضا قرار دادند که تا جواب به
شان داده نشود از مجلس برنخیزند و گروه جمهورم

منتظر این جواب هستند، گمان میرود شاه طرف
حزب تا آخر و تقیر است و دلخواه آنها را بجری میکند
(سه شنبه ۱۳ ذو القعدة) از (جده) زن سودانیه
دوچار (کولیرا) در مکه شده و مرد، از پترسبورغ زند آنها
در روسیه و سیریا پراز محکومین شد و از حکومت خواستند
که دوباره جای نفی را در جزیره (سغالین) قرار دهد
و جنرال کولبارس حاکم سابق اودسا حاکم عام شده و به
پهانه نماور (اشگر آرائی) فراوان سپاه خواسته اند گمان
میرود که مقصود نابود کردن انجمنهای آشوبگراست، در
قضیه متهمین از سوسیالیست که به خیانت بزرگ متهم بوده
وسی و هفت نفر از آنان از اعضا دومی سابق میباشند حکم
به عقوبات شدید صادر شده و سی نفر از اعضا دوما
محکوم به نفی مؤبد به سیریا و ۲۲ نفر از اینان هم به مدت
معین منفی به سیریا شدند

(چهارشنبه ۱۴ ذو القعدة) از تهران . اضطراب
سیاسی عظیم واقع شده و شاه دوزیر مستعفی را گرفته
و مجلس شوری بدین کار احتجاج شدید نموده و کار سخت
شد، از قرار ظاهر شاه در مقاومت حزب وطنی از حزب
متأخر معضد است، شاه صدر اعظم را وعده سفر اروپا
داد و او با مجلس شوری در معاوضه کسان دیگر است.
از لندن . تأییس آروزی خود را در اینکه ایرانیان حمید
الخصمال این دشوارها را آسان نمایند آشکار نمود و از تعدیات
عثمانی افسوس کرد و گفت این تعدیات در کار و حال
عقده و ارتباك بهم میرساند

اگر مداخله دول نبود که از سلطان عثمانی حساب
پس کشند سلطان را ممکن بود که در این تعدیات و تجاوز
و غارت حدود ایران او با آروزی خودش برسد.

در مطبعه حکمت چاپ شد بمهدی